

مسئولیت ظهرنویس در چک وعده‌دار

پرویز عامری^۱، حبیب طالب احمدی^۲

۱- استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز

۲- استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز

چکیده

اصولاً چک وسیله پرداخت نقدی است، هرچند صدور چکهای وعده‌دار نیز در روابط اقتصادی بسیار رایج است. اگر چکهای وعده‌دار ظهرنویسی شوند و دارنده، در صورت عدم پرداخت، به خواهد علیه ظهرنویس اقامه دعوا کند باید مهلت‌های قانونی را در مراجعه به بانک محال‌علیه رعایت کند. طبق اصول و قواعد حاکم بر اسناد تجاری، نظیر اصل عدم توجه ایرادات و نظریه ظاهر و همچنین با تأیید رویه قضایی مبدأ احتساب مواعد، تاریخ مندرج در چک است. هرچند تاریخ واقعی صدور چک پیش از آن باشد.

کلید واژه‌ها: چک وعده دار، ظهرنویس

۱- مقدمه

استفاده از چک به عنوان وسیله پرداخت در میان تجار ایرانی و نیز غیرتجار کاملاً رایج است و تقریباً اشتغال به تجارت در اقتصاد ایران بدون داشتن حساب جاری بسیار دشوار است. این سند در روابط تجاری به عنوان یک سند اعتباری هم مورد استفاده قرار می‌گیرد و علاوه بر وسیله پرداخت نقدی، جایگزین اسنادی همچون سفته و برات شده است. تجار ایرانی با برات که سابقه بیشتری از چک در معاملات تجاری در گذشته دارد ناآشنا هستند و از سفته نیز معمولاً به عنوان وسیله‌ای جهت تضمین انجام تعهدات مالی استفاده می‌کنند.

کاربرد چک در معاملات اعتباری به صورت صدور چکهای وعده‌دار جلوه می‌کند. این در حالی است که به پیروی از حقوق فرانسه [۱، ص ۹] در مقررات تجارتی ما برای چک، برخلاف برات و سفته، سررسید و وعده تعریف نشده است و به موجب ماده ۳۱۳ قانون تجارت: «وجه چک باید به محض ارائه کارسازی شود». البته با تصویب قانون اصلاح موادی از قانون

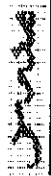


صدر چک، مصوب ۱۳۸۲/۶/۲، تاریخ مندرج در چک، سررسید آن تلقی می‌شود، زیرا به موجب ماده یک این قانون: «صادرکننده چک باید در تاریخ مندرج در آن معادل مبلغ مذکور در بانک محال‌علیه وجه نقد داشته باشد». در ماده دو همان قانون نیز که یک ماده تحت عنوان ماده ۳ مکرر به قانون صدور چک اضافه کرده مقرر شده است که «چک فقط در تاریخ مندرج در آن یا پس از تاریخ مذکور قابل وصول از بانک خواهد بود» و لذا باید ماده ۳۱۳ قانون تجارت و ذیل ماده ۳۱۱ این قانون را که مقرر می‌دارد «پرداخت وجه نباید وعده داشته باشد» به طور ضمنی منسوخ دانست.

در گذشته از دارنده چکهای وعده‌دار حمایت کیفری نمی‌شد و تصور قانونگذار بر آن بود که با عدم حمایت کیفری، صدور چکهای وعده‌دار متوقف می‌گردد و چک جایگاه اصلی خود را به عنوان وسیله پرداخت نقدی باز می‌یابد و به موجب ماده ۱۲ قانون صدور چک، مصوب ۱۳۵۵، چک وعده‌دار در میان چکهایی نام برده شد که جنبه کیفری نداشتند. اما در عمل، نتیجه مورد انتظار حاصل نشد و نه تنها از آمار چکهای وعده‌دار کاسته نشد، که گاهی صادرکنندگان چک سعی بر اثبات وعده‌دار بودن آن نزد محاکم داشتند تا بدین وسیله از مسئولیت کیفری ناشی از صدور چک پرداخت‌نشده‌ی رهایی یابند.

این امر قانونگذار را بر آن داشت تا به منظور ممانعت از صدور چکهای وعده‌دار در «قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک، مصوب تیرماه ۱۳۵۵» به سال ۱۳۷۲، برای صادرکنندگان چکهای وعده‌دار که منتهی به پرداخت نمی‌شود مجازات تعیین کند. در نتیجه به موجب ماده ۱۳ همان قانون، صادرکننده چک وعده‌دار در صورت شکایت ذی نفع و عدم پرداخت به تحمل جزای نقدی از یکصد هزار ریال تا ده میلیون ریال یا حبس از شش ماه تا دو سال محکوم می‌شد.

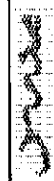
این سیاست کیفری قانونگذار پس از گذشت یک دهه از تصویب قانون اصلاحی صدور چک توفیقی نیافت و درصد بالایی از چکهای صادره همچنان وعده‌دار بود. صادرکنندگان چک نیز به جهت خفیفتر بودن مجازات صدور چک وعده‌دار نسبت به چکهای پرداخت‌نشده، بیشتر تمایل داشتند با اثبات وعده‌دار بودن چک، مجازات کمتری را متحمل شوند. از همین رو در ماده ۵ «قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک» مصوب ۱۳۸۲/۶/۲ ناگزیر قانونگذار مجدد ماده ۱۲ قانون صدور چک ۱۳۵۵ را احیا کرد و صدور چک وعده‌دار از صورت کیفری خارج شد.



در این مقاله بدون پرداختن به جنبه کیفری چک، سعی بر آن است تا یکی از مشکلات حقوقی مربوط به این نوع چک در زمینه مسئولیت ظهرنویس مورد مطالعه قرار گیرد. مسئولیت ظهرنویس چک از زمان صدور آن محدود به مواعد خاص قانونی است و این امر در چکهای وعده‌دار به دلیل نامعلوم بودن تاریخ واقعی صدور چک یا مقدم بودن آن نسبت به تاریخ مندرج در چک، ابعاد تازه‌ای می‌یابد. لذا پس از طرح مسأله و با استناد به قوانین و موازین حقوقی و اصول حاکم بر اسناد تجاری و با اشاره به رویه محاکم، تلاش می‌شود برای حمایت از حقوق دارندگان چکهای وعده‌دار در مراجعه به ظهرنویسان راه‌حل مناسب پیشنهاد شود.

۲- طرح بحث

به موجب ماده ۲۱۴ قانون تجارت، ظهرنویسی در چک مشمول مقررات برات است. طبق ماده ۲۴۹ همان قانون، ظهرنویس با سایر مسئولان سند در برابر دارنده آن مسئولیت تضامنی دارد و دارنده سند می‌تواند در صورت عدم تأدیه و اعتراض، به هر یک از مسئولان و از جمله ظهرنویس مراجعه کند. همین حق را هریک از ظهرنویسان در صورت پرداخت وجه سند نسبت به ظهرنویسان ماقبل خود و صادرکننده دارد. مسئولیت ظهرنویس چک مقید به آن است که دارنده به تکالیف قانونی خود عمل نماید و ظرف مهلتهای مقرر در قانون وجه آن را مطالبه و در مهلت مقرر نیز علیه ظهرنویس اقامه دعوا کند. عدم رعایت هریک از مواعد موجب رفع مسئولیت ظهرنویس می‌گردد. قانون تجارت در ماده ۲۱۵ مقرر می‌دارد: «اگر چک در همان مکانی که صادر شده است باید تأدیه گردد، دارنده چک باید در ظرف پانزده روز از تاریخ صدور، وجه آن را مطالبه کند و اگر از یک نقطه به نقطه دیگر ایران صادر شده باشد، باید در ظرف چهل و پنج روز از تاریخ صدور چک مطالبه شود. اگر دارنده چک در ظرف مواعد مذکور در این ماده، پرداخت وجه آن را مطالبه نکند دیگر دعوای او علیه ظهرنویس مسموع نخواهد بود و اگر وجه چک به سببی که مربوط به محال علیه است از بین برود، دعوا دارنده چک علیه صادرکننده نیز در محکمه مسموع نیست». همچنین طبق ماده ۲۱۷ قانون تجارت: «مقررات راجعه به چکهایی که در ایران صادر شده است، در مورد چکهایی که از خارجه صادر شده و باید در ایران پرداخته شود نیز رعایت خواهد شد، لکن مهلتی که ظرف آن دارنده چک می‌تواند وجه چک را مطالبه کند، چهار ماه از تاریخ صدور است».





ملاحظه می‌گردد که مطابق مقررات مذکور در قانون تجارت، مهلت مراجعه دارنده به بانک جهت حفظ حقوق ناشی از سند، با توجه به محل صدور و محل پرداخت معلوم می‌شود. طبق رأی وحدت رویه شماره ۵۳۶ مورخ ۶۹/۷/۱۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، گواهی بانک محال‌علیه دایر بر عدم تأدیه وجه چک که در مدت پانزده روز به بانک مراجعه شده به منزله درخواست می‌باشد. لذا تاریخ مراجعه همان تاریخ تنظیم گواهی عدم پرداخت بانک است. البته علی‌رغم تصریح ماده ۲۱۱ قانون تجارت به لزوم قید محل صدور چک، صادرکنندگان محل صدور را در روی برگه چک درج نمی‌کنند و بانکهای محال‌علیهم نیز بر روی ورقه‌های چک، جایی برای نوشتن محل صدور پیش‌بینی نکرده‌اند. برخی از نویسندگان معتقدند طبق عرف و عادت تجاری، اقامتگاه دائمی صادرکننده چک، مکان صدور چک محسوب می‌شود. مگر اینکه صدور آن در محل دیگر به اثبات برسد [۲، ص ۱۱۱] و طبق نظریه شماره ۷/۶۴۲۱ مورخ ۷۲/۱۰/۸ اداره حقوقی قوه قضاییه: «پرداخت چکهای بدون قید محل صدور از طرف بانکها مربوط به برداشت مدیران و به معنای صدور چک از طرف صاحب حساب در حوزه عملکرد بانک می‌باشد» [۳، ص ۱۵۲]. بنابراین احتیاط حکم می‌کند که دارنده چک برای استفاده از مزایای قانونی آن ظرف مهلت پانزده روز از تاریخ صدور، وجه آن را مطالبه کند و در غیر این صورت، اثبات اینکه چک در محلی غیر از محل پرداخت صادر شده است به عهده خود او خواهد بود.

حال با این سؤال مواجه هستیم که مهلتهای مراجعه به بانک در چکهای وعده‌دار، که با ظهنویسی به دارنده فعلی منتقل شده است از چه زمان آغاز می‌شود؟ اگر دارنده چک در اولین فرصت برای مطالبه وجه آن اقدام کند، اما با عدم پرداخت مواجه شود آیا در هر حال می‌تواند علیه ظهننویس اقامه دعوا کند؟ گاهی اوقات با فرضی مواجه می‌شویم که علی‌رغم اینکه دارنده به وظایف قانونی خود عمل کرده است از حقوق خود برای اقامه دعوا علیه ظهننویس محروم می‌شود. توجه به دو فرض زیر می‌تواند در تبیین مطلب مؤثر باشد:

فرض اول: اگر ده روز قبل چکی به تاریخ امروز صادر و امروز با ظهننویسی به دارنده فعلی منتقل شود و او بی‌اطلاع از وعده‌دار بودن چک و به تصورات داشتن حداقل پانزده روز مهلت، پس از ده روز به بانک مراجعه و وجه چک را مطالبه کند و به هر دلیل با عدم پرداخت مواجه شود آیا حق مراجعه به ظهننویس را دارد؟ با فرض اثبات وعده‌دار بودن چک در نزد محکمه، اگر تاریخ صدور واقعی چک ملاک محاسبه مهلتهای مقرر در قانون باشد باید گفت دارنده علیه ظهننویس حق اقامه دعوا ندارد، زیرا بیش از پانزده روز از تاریخ صدور گذشته



است و در این فرض، ظهرنویس از تاریخ ظهرنویسی فقط پنج روز در برابر دارنده مسئولیت داشته است؛ در حالی است که اگر تاریخ مندرج در چک ملاک محاسبه باشد با اثبات وعده‌داربودن چک تغییری در حقوق دارنده ایجاد نمی‌شود و نظر به مراجعه او در مهلت مقرر، حق اقامه دعوا علیه ظهرنویس را خواهد داشت.

فرض دوم: اگر یک ماه قبل چکی به تاریخ امروز صادر و همین امروز از طریق ظهرنویسی به دارنده فعلی منتقل گردد و او بی‌خبر از وعده‌داربودن چک بلافاصله یا ظرف پانزده روز از تاریخ مندرج در چک، جهت مطالبه وجه آن به بانک مراجعه نماید و با عدم پرداخت روبه‌رو شود، دارنده علیه ظهرنویس چه حقی خواهد داشت؟ با فرض اثبات وعده‌داربودن چک در نزد محکمه، اگر مبدأ محاسبه مهلت، تاریخ صدور واقعی چک باشد دارنده چک هیچ حقی علیه ظهرنویس ندارد و از آنجا که ظهرنویسی بعد از پانزده روز از تاریخ چک انجام شده است از همان ابتدا ظهرنویس در برابر دارنده مسئولیتی نداشته است. اما اگر مبدأ محاسبه، تاریخ مندرج در چک باشد حقوق دارنده در برابر ظهرنویس محفوظ خواهد ماند.

با ملاحظه فروض مذکور معلوم می‌شود که در چکهای وعده‌دار، با تغییر مبنای محاسبه مهلت، گاه مسئولیت ظهرنویس به کمتر از مواعد قانونی تقلیل می‌یابد و گاه اصلاً ظهرنویس در برابر دارنده مسئول شناخته نمی‌شود و این در حالی است که دارنده چک، بی‌اطلاع یا با اطلاع از وعده‌داربودن چک، نسبت به انجام وظایف قانونی خود برای استفاده از حقوق مذکور در ماده ۲۴۹ قانون تجارت، به هیچ وجه کوتاهی نکرده است.

در حقوق فرانسه ظهرنویسی چک در صورتی با ارزش است که پیش از انقضای مهلتهای ارائه چک به بانک و قبل از اتمام مهلت وخواست آن انجام گیرد و هرچند درج تاریخ در ظهرنویسی الزامی نیست، چنانچه تاریخ ظهرنویسی معلوم نباشد، انجام آن در مهلت قانونی مفروض است [۱، ص ۲۵۲ و ۲۵۳].

در این مقاله سعی بر آن است که با استناد به اصول و قواعد حاکم بر اسناد تجاری از جمله اصل عدم توجه ایرادات و نظریه ظاهر در اسناد تجاری اثبات گردد که مبنای محاسبه مهلتهای مقرر در قانون، همان تاریخ مندرج در چک است تا بدین وسیله از تضییع حقوق دارنده چک خصوصاً دارنده با حسن نیت جلوگیری شود.





۳- اصل عدم توجه ایرادات

یکی از اصول حاکم بر اسناد تجاری، اصل عدم توجه ایرادات یا غیرقابل استنادبودن ایرادات^۱ است. طبق اصل مزبور، مسئولان سند تجاری نمی‌توانند با توسل به ایرادات مختلف در برابر دارنده اسناد از خود رفع مسئولیت کنند. روابط حقوقی ناشی از سند، جزء مستحکم‌ترین روابط حقوقی بوده، مسئولان آن نمی‌توانند روابط خود را با دارندگان قبلی در حقوق دارنده فعلی مورد استناد قرار دهند. این اصل با توجه به نیاز تجار و در جهت اعتباربخشیدن به گردش اسناد تجاری در میان ایشان پذیرفته شده است.

طبق ماده ۱۷ قانون متحدالشکل ۷ ژوئن ۱۹۳۰ ژنو در مورد برات: «بدهکار و کلیه مسئولان برات که از طرف دارنده برات به علت عدم تأدیبه مبلغ برات علیه آنان اقامه دعوا شده نمی‌توانند به ایرادات مربوط به روابط حقوقی خود با براتکش یا دارندگان قبلی استناد کنند، مگر آنکه دارنده برات عمداً به زیان بدهکار برات را به دست آورده باشد» [ص ۴، ص ۲۸۳].

در مورد چک نیز ماده ۲۲ قانون متحدالشکل ۱۹ مارس ۱۹۳۱ ژنو مقرر داشته: «امضاء کنندگان چک که علیه آنها طرح دعوا شده است نمی‌توانند در مقابل دارنده چک به روابط خصوصی خود با صادرکننده یا با دارندگان قبلی سند استناد کنند، مگر آنکه دارنده هنگام دریافت چک عالماً به زیان بدهکار عمل کرده باشد» [ص ۵، ص ۳۷۴].

استناد به اصل عدم توجه ایرادات با شرایط زیر در اسناد تجاری پذیرفته است:

اول) ظهرونیسی سند تجاری باید به جهت انتقال آن صورت گرفته باشد و لذا اگر ظهرونیسی به جهت دادن وکالت برای وصول وجه آن انجام شود، دارنده آن، وکیل ظهرونیسی است و در نتیجه مسئولان سند می‌توانند تمام ایراداتی را که در مراجعه چنین ظهرونیسی ابراز کنند در مقابل دارنده فعلی آن، یعنی وکیل در وصول نیز مورد استناد قرار داده، از پرداخت وجه خودداری کنند. مثلاً اگر پس از انقضای مهلت‌های قانونی به مسئولان سند تجاری رجوع شود، ایشان می‌توانند به همین دلیل از پرداخت وجه خودداری کنند.

دوم) دارنده سند تجاری باید با حسن نیت باشد. در معنای دارنده با حسن نیت اتفاق نظر وجود ندارد. برخی معتقدند منظور از دارنده با حسن نیت، شخصی است که در زمان ظهرونیسی و انتقال سند به او از عیوب آن آگاه نباشد. عده‌ای دیگر بر این باورند که اگر ثابت شود ظهرونیسی سند با تبانی دارنده به این جهت انجام شده است که مسئول سند در مقابل

دارنده جدید نتواند به ایرادات متوسل شود و مجبور به پرداخت گردد، اصل عدم توجه ایرادات پذیرفته نیست و در غیر این صورت، دارنده قانونی سند، با حسن‌نیت تلقی می‌شود. در دیدگاه سوم که به نظر می‌رسد در کنوانسیون ژنو هم پذیرفته شده است، دارنده با حسن‌نیت شخصی است که در زمان ظهرنویسی سند قصد نداشته باشد با توسل به اصل عدم توجه به ایرادات به مسئول سند زیان وارد کند. البته اصل بر حسن‌نیت دارنده سند تجاری است، مگر با دلایل کافی سوء نیت او ثابت شود [۶، ص ۵۰۶].

سوم) ایراداتی که ناشی از روابط شخصی و مستقیم مسئول سند تجاری و دارنده آن است مشمول اصل عدم توجه ایرادات قرار نمی‌گیرد. به عبارت دیگر، دارنده سند باید نسبت به روابطی که مورد ایراد قرار می‌گیرد بیگانه باشد. مثلاً اگر مسئول سند تجاری به اندازه مبلغ مندرج در آن از دارنده سند طلبکار باشد می‌تواند با استناد به تهاتر از پرداخت وجه آن خودداری کند.

اصل عدم توجه ایرادات مطلق نیست و در صورتی که ایرادات مربوط به ظاهر سند تجاری یا فقدان اهلیت یا اراده باشد، پذیرفته می‌شود. پس اگر سند تجاری فاقد یکی از شرایط شکلی الزامی باشد، مسئول سند در مراجعه به دارنده آن می‌تواند با توسل به همین عیب ظاهری از پرداخت وجه خودداری کند و یا اگر محقق شود مسئول سند در زمان امضا فاقد اهلیت بوده یا امضای او جعل شده است، در پرداخت وجه سند مسئولیتی نخواهد داشت [۷، ص ۱۳۹].

هرچند اصل عدم توجه ایرادات در مقررات ما به صراحت پیش‌بینی نشده است، ولی علمای حقوق تجارت ایران در باب حکومت این اصل بر اسناد تجاری اتفاق نظر دارند [۸، ص ۶۵]. از خلال مواد ۲۴۹، ۲۳۰، ۲۳۱ و ۲۰۷ قانون تجارت نیز می‌توان این اصل را استنباط کرد. رویه محاکم نیز این اصل را در روابط ناشی از اسناد تجاری پذیرفته است. در صورت عدم پذیرش اصل عدم توجه ایرادات، اعتبار اسناد تجاری متزلزل گشته، گردش آنها متوقف می‌شود، حال آنکه سند تجاری در صورتی موجب جلب اعتماد اشخاص دارنده می‌شود که با گردش آن در هر معامله، عیوب و نواقص خود را از دست بدهد [۹، ص ۱۰۷].

در صورتی که چک قبل از انقضای پانزده روز از تاریخ مندرج در آن با ظهرنویسی به دارنده منتقل شود و دارنده چک از وعده‌دار بودن آن آگاه نباشد و طبق مباحث پیش‌گفته، ظرف مهلت قانونی به بانک مراجعه کند، باید بتواند علیه صادرکننده و ظهرنویسان چک اقامه دعوا نماید. ظهرنویس چک نمی‌تواند به دلیل وعده‌دار بودن آن و گذشت بیش از پانزده روز



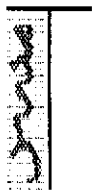
از هنگام صدور از خود رفع مسئولیت کند. بر فرض اثبات وعده‌داربودن چک در دادگاه، دارنده چک تحت حمایت اصل غیرقابل ایرادبودن اسناد تجاری قرار می‌گیرد. در تأیید این سخن، رأی ش ۳۸۹ مورخ ۱۳۷۲/۸/۱۰ شعبه ۲۸ دادگاه حقوقی یک تهران عیناً نقل می‌شود:

«... چکی که از طرف دارنده آن به نفع مدعی ظهنویسی شده است با فرض اینکه تاریخ حقیقی آن با تاریخ مذکور در آن تفاوت داشته باشد... این اظهارات در مقابل دارنده آن که به نفع او ظهنویسی شده با توجه به ماده ۳۱۴ ق.ت. قابل توجه نخواهد بود... و چون خواهان، دارنده‌اولیه چک مذکور نبوده، بلکه این چک از طریق ظهنویسی به وی واگذار شده، لذا به لحاظ عدم وجود رابطه پایه‌ای یا معاملاتی بین وی و صادرکننده چک... ایرادات و اعتراضات صادرکننده چک، گرچه در مقابل دارنده اولیه آن قابلیت طرح و عنوان و توجه را داشته، ولی در مقابل خواهان... قابل استناد نبوده...» [ص ۲۵، ۵۲].

۴- نظریه ظاهر

در هیچیک از مقررات داخلی، ماهیت حقوقی اسناد تجاری مطمح نظر قانونگذار نبوده و از جمله در مورد چک، قانون تجارت، قانون صدور چک و قانون اصلاحی آن سخنی درباره ماهیت این سند به میان نیامده است. در مقابل، نحوه تنظیم و شکل ظاهری اسناد تجاری از مهمترین مباحث مقررات راجع به این اسناد به شمار می‌رود و قانونگذار در این زمینه کاملاً شکل‌گرا است. در مورد چک به مانند برات وسفته، قانون تجارت در ماده ۳۱۱ و ۳۱۲ به شکل و نحوه‌ی تنظیم سند پرداخته است که این شیوه در مقررات بین‌المللی نیز به چشم می‌خورد. توجه به ظاهر اسناد تجاری چنان اهمیت دارد که برخی نویسندگان معتقدند نظریه ظاهر به عنوان یک نظریه جدید در کنار نظریه‌های کلاسیک می‌تواند بیانگر ماهیت حقوقی این اسناد باشد. [۱۱، ص ۲۶] البته با بررسی بیشتر منابع معلوم می‌گردد حقوقدانان آلمانی بدین لحاظ از مفهوم ظاهر بهره جسته‌اند تا یک نظریه عمومی برای اسناد اعتباری که به عنوان اسناد با اطمینان عمومی لحاظ می‌گردند طرح‌ریزی کنند [۱۲، ج ۲، ش ۱۹۳۳].

سندی که با توافق صادرکننده و دارنده اول خلق شده، به گردش درمی‌آید، ظاهری را فراهم می‌کند که اشخاص ثالث بر آن اعتماد می‌کنند و به همین دلیل ارزش مناسبی مستقل از اراده‌ای که آن را به وجود آورده است دارد. هر شخصی که سند را امضا کرده متعهد به

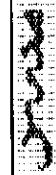


پرداخت است و هر شخصی که مطابق قاعده، دارنده سند شده، حق دریافت وجه آن را دارد. این بدان دلیل است که اصولاً شخص مدیون از تمسک به هرگونه ایرادی ممنوع شود و همین نکته، مبنای اصل عدم توجه ایرادات است.

آنچه ظاهر چک را تشکیل می‌دهد عبارت است از مندرجات الزامی و اختیاری در برگه چک که این مندرجات ضمن اینکه ظاهر چک را تشکیل می‌دهند باید بتوانند اطمینان خاطر را برای دارنده آن به وجود آورند، به نحوی که با تحصیل سند، نسبت به دریافت وجه آن نیز اطمینان حاصل کند و امکان اثبات خلاف ظاهر سند منتفی باشد. به عنوان مثال از جمله مندرجات قانونی چک، ذکر محل پرداخت آن است. و در حقوق فرانسه چنانچه محل پرداخت ذکر نشده باشد، اقامتگاه صادرکننده ملاک عمل خواهد بود و نمی‌توان محلی را غیر از آنچه در چک مذکور است به عنوان محل پرداخت دانست و امکان اثبات خلاف پیش‌بینی نشده است، چرا که این امکان قطعاً از اطمینان لازم برای چک می‌کاهد [۱۲، ج ۲، ش ۲۱۶۲].

در حقوق تجارت ایران نیز اطمینان به ظاهر سند تجاری پذیرفته شده است و به عنوان مثال از ماده ۲۲۵ قانون تجارت در خصوص مبلغ برات قابل استنباط است. ماده مذکور مقرر می‌دارد: «... اگر مبلغ بیش از یک دفعه به تمام حروف نوشته و بین آنها اختلاف باشد مبلغ کمتر مناط اعتبار است. اگر مبلغ با حروف و رقم هر دو نوشته شده و بین آنها اختلاف باشد، مبلغ با حروف معتبر است». این در حالی است که اثبات خلاف در هر دو مورد مذکور در ماده ۲۲۵ امکان‌پذیر است، یعنی هم امکان اثبات صحت مبلغ بیشتر در فرض نخست و هم امکان اثبات صحت مبلغ به رقم در فرض دوم وجود دارد، ولی قانونگذار نخواست است گردش آسان و سریع سند با بروز چنین احتمالاتی دچار اختلال و کندی گردد. به عبارت دیگر باید هر دارنده‌ای با ملاحظه‌ی سند تجاری بداند که مطابق قانون چه حقی برای او از این سند به وجود آمده است.

رای ش ۵۶۲ به تاریخ ۱۳۷۲/۹/۲۸ صادره از شعبه ۲ دادگاه حقوقی یک تهران عبارتی گویا و روشن در این خصوص انشا کرده است: «چون ... لزوم سرعت و اطمینان در تجارت ایجاب می‌کند که دارنده اسناد تجاری که از طرف غیرصادرکننده آن به وی منتقل گردیده در مقابل کلیه ایرادات صادرکننده آن مصون باشد ... لذا به فرض اینکه چک مستند دعوا بابت معامله فاسدی به دارنده اولیه آن تسلیم شده باشد این امر هیچ‌گونه خلل و خدشه‌ای به حقوق خواهان دعوا وارد نساخته، مشارالیه به هر حال استحقاق مطالبه وجه چک



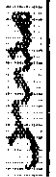


را داشته و خواننده قانوناً ملزم به پرداخت وجه چک به مشارالیه می‌باشد» [۱۰، ص ۵۳، ش ۲۶].

نتایج مذکور در رأی فوق مبتنی بر این مقدمه است که سرعت و اطمینان در تجارت ایجاب می‌کند که دارنده در معرض اثبات خلاف ظاهر سند نباشد. همین سخن در مورد تاریخ مندرج در چک نیز قابل طرح است. با این توضیح که وقتی در روی ورقه چک، تاریخ مشخص درج شده باشد و ظهرنویسان با ملاحظه همان تاریخ اقدام به ظهرنویسی کنندو نهایتاً چک به دست دارنده با حسن نیت برسد، تنها همین تاریخ است که باید مناط اعتبار قرار گیرد و کلیه مواعد برای مسئولیت ظهرنویسان از این تاریخ محاسبه شود. امکان اثبات خلاف درباره تاریخ بدان معنا است که دریافت‌کننده چک در هنگام دریافت سند به تاریخ مندرج اطمینان نکند و در مورد آن جستجو نماید و این مغایر اصل سرعت و اطمینان در اسناد تجاری است و منتهی به تزلزل اعتبار چک و عدم اعتماد به این سند گردیده، گردش آن متوقف می‌شود. از همین رو بعضی از اساتید حقوق تجارت تمسک دارنده قانونی سند به تاریخ مندرج در آن را جزء قواعد عمومی اسناد تجاری برشمرده‌اند [۶، ص ۴۸۴].

ممکن است گفته شود اصل این است که تاریخ صدور چک، همان تاریخ مندرج در آن است، مگر خلاف آن ثابت شود و این اصل در بسیاری از موارد مستمسک صادرکنندگان چک برای رهایی از مجازات صدور چک بلامحل قرار گرفته و می‌گیرد. در پاسخ باید گفت که جنبه کیفری چک احتیاج به احراز ارکان جرم دارد تا بتوان اعمال مجازات کرد. طبق حکم ش ۲۴۰۴ مورخ ۲۱/۸/۲۴ شعبه ۶ دیوان عالی کشور: «در مسائل جزایی احراز جرم ضروری است و رعایت قواعد فقط برای کشف امر است» [۱۳، ص ۳۲۸]. به عنوان مثال برای اعمال مجازات مذکور در ماده ۷ قانون صدور چک، موضوع ماده سه قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۱۳۸۲/۶/۲ باید احراز کرد که چک به تاریخ روز صادر شده و بلامحل بوده است و اگر ثابت شود تاریخ مندرج در چک غیر از تاریخ صدور آن است، عنوان کیفری ندارد. اما این امر ارتباطی به جنبه حقوقی (مدنی) چک ندارد و حقوق دارنده در مقابل صادرکننده و ظهرنویس به استناد قانون تجارت محفوظ است، کما اینکه در ماده ۲۰ قانون صدور چک ۱۳۵۵ آمده است: «مسئولیت مدنی پشت‌نویسان چک طبق قوانین و مقررات مربوط کماکان به قوت خود باقی است».

بدیهی است در جنبه کیفری، در هر مورد باید موضوع احراز گردد تا حکم به مجازات مربوط صادر شود. بنابراین، قیاس جنبه حقوقی چک و مسئولیت ظهرنویس با جنبه کیفری



آن مع‌الفارق است و به هیچ وجه صحیح نیست که در برابر دارنده با حسن‌نیتی که چک را از ظهنویس دریافت کرده است گفته شود تاریخ صدور چک همان است که در چک قید شده، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. از دیدگاه حقوقی، تأسیس چنین اصلی احتیاج به نص قانون دارد و نمی‌توان به تاریخی خلاف آنچه در متن چک قید شده ترتیب اثر داد. در تأیید نظرهای فوق مطالعه آرای زیر مؤثر است:

شعبه چهارم دیوان عالی کشور در حکم شماره ۱۹۹۲ مورخ ۱۳۲۶/۱۲/۲۹ چنین انشای رأی کرده است: «... چکی که از طرف دارنده آن به نفع مدعی ظهنویسی شده با فرض اینکه تاریخ حقیقی آن با تاریخ مذکور در آن تفاوت داشته ... این اظهارات در مقابل دارنده آن که به نفع او ظهنویسی شده، با توجه به ماده ۳۱۴ قانون تجارت قابل توجه نخواهد بود» [۱۴، ص ۱۵۵]. همچنین در رأی شماره ۲۶۱۴ مورخ ۱۳۲۷/۱۰/۸ هیأت عمومی دیوان عالی کشور آمده است: «در مورد چکهایی که تاریخ چک مؤخر از زمان تحریر است، تحریر چک در زمان مقدم بر تاریخ پرداخت، آن را از صورت چک خارج نمی‌نماید. لذا چنین اوراقی چک محسوب و صادرکننده مشمول مقررات قانونی چک خواهد بود». همین هیأت در رأی شماره ۳۲۲۷ به تاریخ ۱۳۳۰/۸/۷ رأی شعبه دوم دادگاه استان مرکز را با عبارت «... و مؤخر بودن تاریخ چک از تاریخ تحریر بر فرض ثبوت، علت وعده‌دار بودن چک تلقی نمی‌شود» به اکثریت آرا ابرام کرده است [۱۵، ج ۱، ص ۱۳۱].

اگر تاریخ مندرج در چک مناط احتساب مواعد نباشد، مانند این است که چکی صادر شده باشد که ویژگی ظهنویسی را ندارد یا اینکه به وسیله ظهنویسی منتقل شود، اما هیچ‌گونه مسئولیتی متوجه ظهنویس نباشد. قطعاً چنین نتیجه‌ای هیچگاه مقصود قانونگذار نبوده است. بدین ترتیب باید گفت منظور قانونگذار از «تاریخ صدور چک» در ماده ۳۱۵ قانون تجارت که مبدأ رعایت مهلت‌های مطالبه وجه چک است، همان تاریخی است که در چک درج شده است، نه تاریخ واقعی صدور آن و چون در نظر قانونگذار به هنگام تصویب قانون تجارت، چک، سند به رؤیت بوده است، لذا تفاوتی میان تاریخ صدور واقعی و تاریخ مندرج در چک قائل نشده و تعبیر تاریخ مندرج در چک به تاریخ صدور این سند صحیح است.

۵- رویه قضایی و نقد آن

در این قسمت ابتدا رویه قضایی مرتبط با موضوع از میان آرای محاکم نقل می‌شود و سپس مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.





۵-۱- رویه قضایی

به حکایت پرونده کلاسه ۸۸-۲۵-۷۷ آقای ن - ص به طرفیت آقایان حمزه - ز و حسین - ز و محمد - ع دادخواستی به خواسته مطالبه وجه دو فقره چک جمعاً به مبلغ ۴۴/۸۰۵/۰۰۰ ریال تقدیم شعبه ۳۹ دادگاه عمومی شیراز کرده و اعلام داشته است که دو فقره چک به ش.های ۱۷۵۰۸۰ مورخ ۷۷/۹/۲۳ و ۱۷۵۰۸۲ مورخ ۷۷/۹/۲۷ را خوانده ردیف سوم با ظهرنویسی به خواهان منتقل کرده و خوانده ردیف اول، صادرکننده و خوانده ردیف دوم نیز ظهرنویس اول چک، می‌باشند. وکیل خوانده ردیف سوم در دفاع از وی اظهار داشته که تاریخ صدور چک، حدود دو ماه قبل از تاریخ سررسید آن بوده است و علی‌رغم اینکه چک با توجه به تاریخهای مذکور در آن در مهلت مقرر به بانک ارائه شده، به لحاظ اینکه از تاریخ صدور واقعی بیش از پانزده روز سپری شده است، تقاضای عدم استماع دعوای خواهان را کرده است.

دادگاه در دادنامه ش ۱۴۶۲ مورخ ۷۷/۱۲/۲۲ چنین رأی داده است: «نظر به اینکه تاریخ مندرج در چکها ۷۷/۹/۲۳ و ۷۷/۹/۲۷ می‌باشد و خواهان اظهار داشته که چکها را به همین صورت در مورخ ۷۷/۸/۴ اخذ کرده است، معلوم می‌گردد که تاریخ صدور چکها با تاریخ مندرج در آنها متفاوت می‌باشد و حتی اگر در همان مورخه ۷۷/۸/۴ نیز چکها صادر شده باشد باز هم اقدام خواهان علیه ظهرنویسها بعد از گذشت مواعد قانونی بوده است. لذا دادگاه مستنداً به ماده ۳۱۵ قانون تجارت، قرار عدم استماع دعوا را صادر و اعلام می‌کند. رأی صادره ظرف مهلت بیست روز قابل تجدید نظر در دیوان عالی کشور می‌باشد».

خواهان از این رأی در مهلت قانونی تجدید نظرخواهی کرده و شعبه سوم دیوان عالی کشور در تاریخ ۷۸/۶/۷ طی رأی ش ۲/۲۴۴ به شرح زیر مقرر کرده است:

الف) در مورد تجدید نظرخواهی آقای ن - ص به طرفیت آقایان حسین - ز و محمد - ع ظهرنویسهای دو فقره چک مستند دعوا، اعتراض تجدید نظرخواه نسبت به دادنامه شماره ۷۷/۲۲/۲۶۲ شعبه ۳۹ دادگاه عمومی شیراز مؤثر و قانونی نیست و نقض رأی تجدید نظر خواسته را در مورد دو نفر نامبرده ایجاب نمی‌کند، زیرا اگرچه دو فقره چکهای مستند دعوا به تاریخهای ۷۷/۹/۲۳ و ۷۷/۹/۲۷ به ترتیب در تاریخهای ۷۷/۹/۲۴ و ۷۷/۱۰/۳ و در مهلت مقرر در ماده ۳۱۵ قانون تجارت به منظور وصول وجه آنها به بانک محال علیه ارائه شده‌اند که منتهی به صدور گواهینامه‌های عدم پرداخت مورخ ۷۷/۹/۲۳ و ۷۷/۱۰/۳ گردیده است، لکن



شخص خواهان، تصریحاً اعلام داشته، چک‌ها را با ظهنرویزی آقای محمد - ع در تاریخ ۷۷/۸/۴ از مشارالیه اخذ نموده است... به این ترتیب مسلم و مقطوع است که چکها قبل از تاریخ مندرج در آنها و وعده‌دار صدور یافته است. با حفظ این مقدمه و از آنجا که امر تضامن و مسئولیت تضامنی، موضوع ماده ۲۴۹ قانون تجارت که به حکم ماده ۲۱۴ همین قانون در مورد صادرکننده و ظهنرویسهای چک هم حکومت دارد، خلاف قاعده اصلی ضمان مذکور در ماده ۶۹۸ قانون مدنی می‌باشد و در اعمال آن باید فقط در حدود مقررات قانون تجارت و به نحوی که در این قانون مذکور است اختصار نمود و چون به موجب ماده ۳۱۰ قانون تجارت چک نوشته‌ای است که به موجب آن صادرکننده وجوهی را که در نزد محال‌علیه دارد کلاً یا بعضاً مسترد یا به دیگری واگذار می‌کند و همچنین به موجب ماده ۳۱۱ همین قانون پرداخت وجه چک نباید وعده داشته باشد و چکی که در تاریخ مقدم به تاریخ مؤخر صادر می‌شود وعده‌دار است، لذا به چنین اوراقی اطلاق عنوان چک موضوع ماده ۳۱۰ قانون تجارت که موجب مسئولیت تضامنی بین صادرکننده و ظهنرویسها، باشد قانوناً صادق نیست و امر تضامنی موضوع ماده ۳۱۴ ناظر به ماده ۲۴۹ قانون تجارت صرفاً در مورد چکهایی صادق است که صدوراً و متنأً منطبق با مواد ۳۱۰ و ۳۱۱ قانون تجارت باشد. بنا به مراتب و با عنایت به ماده ۲۰ قانون صدور چک، دادنامه تجدید نظر خواسته در حدود دعوای خواهان به طرفیت ظهنرویسها، قطع نظر از کیفیت استدلال، نتیجتاً صحیح و بلااشکال است و با موازین و مدارک پرونده مطابقت دارد و این قسمت از دادنامه تجدید نظر خواسته به استناد بند ۱ ماده ۲۲ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب تأیید و ابرام می‌شود.

ب) راجع به تجدید نظرخواهی تجدید نظرخواه نسبت به قسمت دیگر از دادنامه تجدید نظر خواسته که به موجب آن، دعوای خواهان به طرفیت آقای حمزه - ز صادرکننده چکهایی مستند دعوا مردود اعلام گردیده، اعتراض تجدید نظرخواه موجه و این قسمت از دادنامه تجدید نظر خواسته مخدوش است، زیرا اگرچه دو فقره چکهایی مستند دعوا فاقد شرایط قانونی چک می‌باشند، لکن در هر حال بر اشتغال ذمه صادر کننده در قبال دارنده آن دلالت دارند و به شرح اوراق پرونده، آقای حمزه - ز در دادگاه حاضر نشده و دفاعی نکرده و دلیلی هم بر پرداخت وجه چکها ابراز نموده و بقای چکها در ید خواهان، مؤید به گواهینامه‌های عدم پرداخت صادر از بانک محال‌علیه، ظاهر در بقای اشتغال ذمه صادرکننده می‌باشد و رد دعوای خواهان به طرفیت صادرکننده چکها مخالف ماده ۳۱۵ قانون تجارت و ماده ۲۵۷





قانون آیین دادرسی مدنی است و لذا این قسمت از دادنامه به علت مخالفت با قانون نقض می‌شود....».

۵-۲- نقد رویه قضایی

با مطالعه آرای فوق الذکر به نظر می‌رسد:

اولاً دادگاه بدوی از این حیث دعوی خواهان علیه ظهرونیسان را مردود دانسته که مطالبه وجه چکها در خارج از موعد پانزده روز صورت گرفته است، حال آنکه دادگاه تجدیدنظر به این استدلال واقعی ننهاد و معتقد است دو فقره چک در مهلت مقرر در ماده ۳۱۵ قانون تجارت به منظور وصول وجه آنها به بانک محال‌علیه ارائه شده‌اند. این موضوع از این حیث که تاریخ مندرج در چک همان تاریخی است که مبدأ محاسبه مواعد قرار می‌گیرد و اثبات تاریخ صدور واقعی نمی‌تواند مسئولیت ظهرونیس را به استناد منقضی شدن موعد پانزده روز برطرف سازد با آنچه در سطور گذشته رقم خورد منطبق است و رأی شماره ۲۷۱۴-۱۳۳۶/۶/۲۰-هیأت عمومی دیوان عالی کشور دقیقاً بر این نکته صحه می‌گذارد. عبارت این رأی بدین شرح است: «ایراد فرجا مخواه به اینکه حکم فرجام خواسته برخلاف مقررات صادرشده وارد نیست و به نحوی که دادگاه مورد توجه قرار داده تاریخ استفاده از چک همان تاریخی است که در آن قید شده و نوشتن چک در زمان مقدم بر تاریخ پرداخت، سبب خروج آن از صورت چک نبوده و این قبیل اوراق، چک محسوب و صادرکننده آن مشمول مقررات قانون چک خواهد بود....». جالب اینکه این رأی ممیزعنه تفاق آرا ابرام شده است [۱۵، ج ۱، ص ۱۲۳].

ثانیاً استدلال دادگاه تجدیدنظر مبنی بر اینکه چک وعده‌دار را نمی‌توان مشمول مقررات چک موضوع ماده ۳۱۰ قانون تجارت دانست به جهات مختلف آتی مخدوش است. چنانکه قبلاً گفته شد عبارت ذیل رأی هیأت عمومی دیوان عالی کشور به روشنی دلالت دارد که نوشتن چک در زمان مقدم بر تاریخ پرداخت، سبب خروج آن از صورت چک نیست. علاوه بر اینکه گویا دادگاه تجدیدنظر به این عقیده رسیده است که در چکهای وعده‌دار به هیچ وجه مسئولیت تضامنی بین صادرکننده و ظهرونیس به وجود نخواهد آمد، چون تضامن احتیاج به نص قانون دارد و باید به موارد متیقن اکتفا کرد. نتیجه این استدلال این است که اگر چک به صورت وعده ده روزه صادر شود و در این فاصله با ظهرونیسی به دارنده فعلی منتقل گردد، و دارنده رأس ده روز و قبل از انقضای ۱۵ روز وجه آن را مطالبه کند، بازهم هیچ



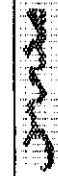
مسئولیتی متوجه ظهرنویس نیست؛ اما چنین نتیجه‌ای منطقی نیست، زیرا دادگاه تجدید نظر انتقال چک به وسیله ظهرنویسی را پذیرفته است و همچنین در قسمت دوم رأی برای نقض رأی دادگاه بدوی به ماده ۳۱۵ قانون تجارت تمسک جسته، لکن این ورقه را اصلاً چک ندانسته است. مگر می‌توان سندی را ماهیتاً چک ندانست، ولی برای برخی احکام آن به مقررات مذکور در قانون تجارت درخصوص چک استناد کرد؟

بدین ترتیب باید نتیجه گرفت که چک وعده‌دار چک محسوب می‌شود و مقررات چک مذکور در قانون تجارت شامل آن نیز می‌گردد مآلاً اینکه مبدأ محاسبه مواعد برای مسئولیت صادرکننده و ظهرنویسان همان تاریخ مندرج در ورقه چک است و اثبات خلاف آن یا وعده‌دار بودنش، تأثیری در مسئولیت ظهرنویس نخواهد داشت. در حقوق فرانسه نیز با اینکه صدور چک وعده‌دار ممنوع است، حقوقدانان معتقدند تاریخ آینده باعث بطلان چک نیست و آن را از صورت چک خارج نمی‌کنند [۱۲، ج ۲، ش ۱۲۶۳]. همچنان که در شناسایی چک وعده‌دار به عنوان چک در کشورهای نظیر انگلیس هم اختلاف وجود دارد. با این حال چک شناخته شدن این سند ترجیح داده شده است [۱۶، ص ۷۴].

۶ - نتیجه‌گیری

مسئولیت ظهرنویس چک وعده‌دار مبتنی بر آن است که این سند به عنوان چک پذیرفته شود تا مشمول مقررات قانون تجارت قرار گیرد و نیز اثبات تاریخ واقعی صدور چک تأثیری در حقوق دارنده آن جهت مراجعه به ظهرنویس نداشته باشد.

نتیجه‌ای که از مطالعه اصول و قواعد حاکم بر اسناد تجاری و نیز آرای محاکم به دست آمد، ثابت کرد که چک وعده‌دار به عنوان چک شناسایی می‌شود و تابع احکام و مقررات مربوط به این سند است. آرای متعددی در این زمینه از سوی محاکم صادر شده است که چکهای وعده‌دار را مشمول مقررات چک قانون تجارت قرار داده اند و ظهرنویس چکهای وعده‌دار را مسئول می‌شناسند. همچنین اصل عدم توجه ایرادات در اسناد تجاری اقتضا می‌کند که هیچ‌گونه ایرادی از سوی مسئولان سند در برابر دارنده با حسن نیت آن پذیرفته نشود تا اطمینان و سرعت که از لوازم صدور و گردش اسناد تجاری است محفوظ بماند. دارنده با حسن نیت باید بتواند با ملاحظه چک بر مندرجات آن اطمینان کند و اگر قرار باشد با اثبات خلاف مندرجات چک، صادرکننده یا ظهرنویسان از خود رفع مسئولیت کنند گردش این سند دچار اشکال خواهد گردید. به علاوه سند تجاری ظاهری را پدید می‌آورد که خود باعث





اطمینان خاطر عمومی را در اتکا به این سند فراهم می‌کند و لذا تنها تاریخی که مناط اعتبار است و مواعد قانونی از آن مبدأ محاسبه می‌شود، همان تاریخ مندرج در چک است و چنانچه دارنده قبل از انقضای موعد قانونی وجه آن را مطالبه کند و با عدم پرداخت مواجه شود حق مراجعه به ظهرنویس را خواهد داشت.

۷- منابع

[1] Hémard, J., *Encyclopédie Dalloz, Répertoire de Droit Commercial*, T. 2, Paris, 1980.

[۲] حسینی تهرانی، م. «چک و مقررات حقوقی آن»، فصلنامه حق، دفتر سوم، مهر-آذر ۱۳۶۴.

[۳] ساسان‌نژاد، ا. ه.، مجموعه کامل قوانین و مقررات چک، تهران، انتشارات فردوسی، ۱۳۸۲.

[۴] «کنوانسیونهای ۷ ژوئن ۱۹۳۰ در مورد برات»، مجله حقوقی، دوره ششم، شماره ۱۲، بهار - تابستان ۱۳۶۹.

[۵] «کنوانسیونهای ۱۹ مارس ۱۹۳۱ ژنو در مورد چک»، مجله حقوقی، دوره ششم، شماره ۱۳، پاییز- زمستان ۱۳۶۹.

[۶] دویدار، ه.، النظام القانوني للتجارة، المؤسسة الجامعية للدراسات و نشر و التوزيع: بیروت، ۱۹۹۷.

[۷] عباس کریم‌ز، النظام القانوني للشيك، مكتبة دارالثقافة للنشر والتوزيع: ۱۹۹۷.

[۸] ستوده تهرانی، ح، حقوق تجارت، ج ۳، نشر دادگستر: تهران ۱۳۷۴.

[۹] حسینی تهرانی، م. «ظهرنویسی و مقررات و انواع آن»، فصلنامه حق، دفتر چهارم، دی - اسفند ۱۳۶۴.

[۱۰] کامیار (کارکن)، م.، گزیده آرای دادگاه‌های حقوقی، تهران، نشر حقوقدان، ۱۳۷۶.

[۱۱] اسکینی، ر.، حقوق تجارت (برات، سفته، قبض انبار، اسناد در وجه حامل و چک)، تهران، سمت، ۱۳۷۳.

[12] Ripert. G., R. Roblt, R., *Traité de droit commercial*, Paris, L.G.D.J, 1992.

[۱۳] متین، ا.، مجموعه رویه قضایی (قسمت کیفری)، رهام: تهران، ۱۳۸۱.

[۱۴] مجموعه رویه قضایی (قسمت حقوقی)، رهام، تهران، ۱۳۸۱.



[۱۵] مجموعه رویه قضایی (آرشیو حقوقی کیهان)، آراء جزایی، تهران: کیهان، ۱۳۵۲.

[16] Chalmers & Guest, *Bills of Exchange, Cheques and Promissory notes*,
Sweet & Maxwell: London, s1988.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی